

بررسی وضعیت صدور ورقه اختراع در بیوتکنولوژی و میکروارگانسیم‌ها از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

کد مقاله: ۱۴۹۳۷

هیرو آلتونی^۱

چکیده

وضع مالکیت معنوی که ناشی از هنر و ابتکارات انسان است بحث نوینی نیست. بلکه با پیدایش انسان، مالکیت معنوی نیز بوجود آمده است. چرا که فکر، قدرت لاینفکی بوده که انسان هیچ وقت از آن خالی نبوده و همیشه به منظور رفع نیازهای خود از آن بهره می گرفته است. امروزه درباره اهمیت مالکیت معنوی و حفظ آن در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی مباحث فراوانی مطرح است و گسترش ارتباطات از طریق شبکه جهانی اینترنت و قابلیت دسترسی سریع و آسان به تمامی اطلاعات و سوء استفاده برخی افراد از آثار و دستاوردهای دیگران بر اهمیت حفظ این نوع مالکیت و اعتبار آن افزوده است. آثار و تولیدات معنوی و فکری که در قالب طرح، اختراع، محتوای اینترنتی، کتاب و غیره تولید می شوند می توانند مورد استفاده غیر قرار گیرند، که این امکان استفاده و یا سوء استفاده ای که احتمال دارد اتفاق بیفتد اهمیت بررسی این حقوق و این نوع مالکیت را برای ما بیشتر نمایان می کند. مالکیت معنوی اگر چه در حقوق موضوعه دارای سابقه ای نسبتاً طولانی است، اما در فقه از موضوعات مستحدثه فقهی به شمار می آید که البته فقهای شیعه ادله ای بسیاری را برای مشروعیت این مالکیت و عده ای از فقها نیز دلایل عدم مشروعیت آن را ارائه داده اند. هدف از پژوهش حاضر بررسی وضعیت ورقه ابداع بیوتکنولوژی و میکروارگانسیم ها از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه ایران می باشد که در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی اسنادی به جمع آوری داده پرداخته شد تا در نهایت قوانین حاکم بر بیوتکنولوژی و همچنین میکروارگانسیم ها مورد بررسی و تبیین قرار گرفتند تا در نهایت پیشنهاداتی آمیخته با نتایج ارائه گردید.

واژگان کلیدی: ورقه ابداع، مالکیت معنوی، فقه، بیوتکنولوژی و میکروارگانسیم

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران (کردستان)

هرگاه سخن از دارایی به میان می آید ناخودآگاه ذهن انسان به سمت مصادیق عینی مالکیت همچون پول زمین کالا و... سوق پیدا می کند. این در حالی است که در دنیای امروز نوعی دیگری از مالکیت مورد توجه قرار گرفته است که به مراتب از دارایی های ملموس، پر اهمیت تر می باشد و از آن به عنوان مالکیت فکری (intellectual property) یاد می شود. این نوع دارایی محصول هوش انسانی بوده و دارای خصایص منحصر به فردی می باشد، از جمله آن که نتیجه مستقیم کار فکری انسان بوده، در اثر مصرف از بین نمی رود، به راحتی عرضه شده و قابلیت تکثیر دارد. از مصادیق مهم مالکیت فکری، اختراع می باشد. ثبت اختراع یا پتنت یا پته امتیازی است که دولت و یا موسسه خاص در یک کشور به مبتکران و مخترعان برای ایجاد یک ابداع نو و جدید که از نظر اقتصادی حائز اهمیت باشد اهدا می کند. به گونه ای که هر نوع بهره برداری مالی و اقتصادی از ابداع تا مدت زمان خاصی را در اختیار مبتکر قرار داده و حق مالکیت آن را از دیگران سلب می کند. ثبت اختراع جزء حقوق داخلی کشور محسوب می شود و در صورتی که جنبه بین بین المللی داشته باشد از حقوق بین المللی برخوردار شده و سایر کشورها را از دخل و تصرف در ابداع ایجاد شده منع می کند.

«نوآوری های بیوتکنولوژی به عنوان اختراع و یکی از شاخه های حقوق مالکیت فکری امروزه اهمیت زیادی پیدا کرده است. حمایت از اختراعات بیوتکنولوژی نه تنها به نفع مخترعان و شرکت های تحقیقاتی و سرمایه گذاری در این بخش ها است بلکه با فراهم ساختن زمینه ارتقا پیشرفت های تکنولوژی منافع عمومی را نیز تامین می نماید.» (حبیبی؛ ۱۳۸۲). بعضی کاربردهای بیوتکنولوژی به صورت سنتی شامل اصلاح نباتات و دام، تهیه نان، ماست، پنیر و مشروب سازی بوده است و پس از آن تولید آنتی بیوتیک ها، انسولین انسانی و اینترفرون (نوعی پروتئین که بدن برای مقابله با ویروس تولید می کند) که به لحاظ روش های موثر و کم هزینه و تولید انبوه و تجاری بودن بسیار حائز اهمیت است. که به صورت مدرن، با ظهور فناوری DNA نوترکیب، دستکاری ژن ها و انتقال ژن از یک موجود زنده به دیگری امکان خلق صورت های جدید حیات از طریق تکنولوژی های گوناگون را فراهم آورده و تا مرحله پستانداران با ژن های پیوندی تکامل یافته است. به عبارتی دیگر مهندسی ژنتیک، ظرفیت بهره گیری از این فناوری را به نحوه فزاینده ای افزایش داده است. همچنین در تولیدات کشاورزی تاثیر عمیقی در رشد گونه های گیاهی مقاوم در برابر بیماری، گیاهان و بذرها پیوندی، میکروارگانیسم های تثبیت کننده ازت، گونه های گیاهی جدید با چرخه حیات کوتاه مدت و مانند آن دارد. در گذشته ثبت اختراع موجودات زنده به هیچ وجه قابل پذیرش نبود، اما از دهه ۱۹۳۰ میلادی، در کشورهای توسعه یافته تحولات گسترده ای در این زمینه پدید آمده است. از جمله تلاش های بین المللی صورت گرفته در خصوص دریافت ورقه اختراع موافقتنامه راجع به جنبه های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری تریپس (TRIPS) می باشد. ماده ۲۷ این موافقتنامه مربوط به موضوعات امکان دریافت ورقه اختراع است. این موافقتنامه به کشورها فرصت می دهد تا ثبت اختراع تولید را در قوانینشان بگنجانند. البته بند ۲ ماده ۲۷ تریپس اختراعاتی را مستثنی می سازد که ممانعت از استفاده تجاری از آنها برای حفاظت در این موارد ضروری است؛ ۱- نظم عمومی ۲- اخلاق حسنه ۳- حیات بشر ۴- حیات حیوان ۵- حیات گیاه ۶- بهداشت ۷- محیط زیست.

هدف از این استثنائات، اعمال نظارتی ملایم و ایجاد تعادل بین منافع متعارضی است ست که در ثبت اختراعات به طور کلی وجود دارد.

بند ۳ موافقتنامه تریپس، گیاهان و حیوانات را از حکم کلی ثبت اختراع استثناء کرده است اما بند ب به وضوح بیان میدارد که میکروارگانیسم ها و آن دسته از فرآیندهای تولید گیاهان و حیوانات که از اساس بیولوژیک هستند از امکان صدور ورقه اختراع برخوردارند. «حبیبی؛ ۱۳۸۲» قابل ثبت شناخته شدن اختراعات بیوتکنولوژی توسط ادارات ثبت اختراع کشورهای صنعتی و رشد روز افزون اعطای ورقه اختراع در این زمینه، قطع نظر از پاره ای اشکالات فنی، موجب مجادلات قابل توجهی شده است که می توان آن را به موارد ذیل تقسیم بندی کرد؛

- ۱- مجادلاتی که از سوی مخالفان زیست فناوری مطرح می شود و ناظر به مرحله پژوهش و تحقیق و آزمایشهایی که روی آزمودنیها اعم از حیوان و انسان صورت می گیرد و آثار زیست محیطی ناشی از دست ورزیهای ژنتیکی در موجودات زنده.
- ۲- مجادلاتی که ناظر بر برقراری منابع انحصاری برای صاحبان حق اختراع و ایجاد محدودیت برای اشخاص ثالث است.
- ۳- چالش هایی که ناظر به آثار اعطای ورقه های اختراع برای اختراعات بیوتکنولوژیک است. مانند این شبهه که موجب مال تلقی کردن حیات به طور اعم، و ژن و اجزای بدن انسان به طور اخص، می شود و موجب نقض کرامت انسان و کاهش ارزش آن تا حد کالایی قابل داد و ستد خواهد گردید.
- ۴- مجادلات مربوط به سرقت زیستی و بهره برداری غیرعادلانه تحصیل کنندگان ورقه های اختراع از منابع ژنتیکی و دانش سنتی جهان سوم. (صادقی؛ ۹، ۱۳۸۴).

«برای کنترل اختراعات و جلوگیری از اعمال اختراعات مغایر با اخلاق یا نظم عمومی، نباید ادارات ثبت اختراع را درگیر کرد بلکه بهترین راه این است که بهره برداری از اختراع ثبت شده به موجب قانون، منع، محدود و یا منوط به کسب مجوز از مراجع ذیصلاح شود و این مراجع با در نظر گرفتن معیارهای اخلاقی و ضوابطی از قبیل مراقبت از بهداشت و ایمنی همگانی، حفاظت محیط زیست، آسایش حیوانات، حفاظت از تنوع ژنتیکی و... برحسب، اقدام به صدور مجوز بهره برداری از اختراعات ثبت شده نمایند. تصمیم گیری در مورد این مسئله باید از طریق فرایند قانونگذاری پس از تحقیق، ارزیابی و مطالعه صورت پذیرد. کاری که

ارگانهای تقنینی میتوانند انجام دهند و دادگاهها نمی‌توانند. این فرایند مستلزم برقراری توازن بین ارزش‌ها و مصالح متعارض است که در نظام دموکراتیک ما کار نمایندگان منتخب است». (صادقی؛ ۱۳۸۴). در سال ۲۰۰۷ تعداد ۷۲۲۸ اختراع با استفاده از بیوتکنولوژی و مهندسی ژنتیک در قالب کنوانسیون همکاری در ثبت اختراع (PTC) در سطح جهان به ثبت رسیده است. کشور ما با توجه به عدم عضویت در سازمان تجارت جهانی (WTO) به تبع آن، به موافقتنامه تریپس نیز ملحق نگردیده است. «در ایران، قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ در ماده ۲۸، ۱ - نقشه‌های مالی ۲ - هر اختراع یا تکمیلی که محل انتظامات عمومی و منافعی عفت و یا مخالف حفظ الصحة عمومی باشد ۳ - فرمول‌ها و ترکیبات دوایی، را از حیطة حمایت خارج کرده است. در قانون سال ۱۳۸۶ نیز مطابق ماده ۴، روش‌های تشخیص و معالجه بیماری‌های انسان یا حیوان، منابع ژنتیک و اجزای ژنتیک تشخیص دهنده آنها و همچنین فرآیندهای بیولوژیک تولید آنها، نوآوری‌های بیوتکنولوژی از حیطة حمایت تحت عنوان اختراع خارج شده‌اند». (نجفی؛ ۱۳۹۰).

قسمت ب بند ۳ ماده ۲۷ موافقتنامه تریپس، امکان حمایت از ارقام گیاهی را بر اساس یک نظام ویژه حمایتی پیش بینی نموده است. در کشورمان این نظام ویژه در ماده ۱۱۴ قانون برنامه سوم که در ماده ۳۶ قانون برنامه چهارم تکرار شده است، همچنین در این مورد قانون ثبت ارقام گیاهی و کنترل و گواهی بذر و نهال در سال ۱۳۸۲ به تصویب رسیده است. نظر به نوآوری‌های صورت گرفته و نبود قانونی منسجم و هماهنگ با این نوآوری‌ها، به نظر می‌رسد ابعاد مسئله از نظر فقهی و حقوقی و تأثیرات بین‌المللی، اجتماعی، اقتصادی، تجاری و حتی عملی هنوز به طور صحیح و کامل تشریح نشده است. اثرات صدور ورقه اختراع و نوآوری‌های علم بیوتکنولوژی و میکروارگانیسم باید بررسی شود و آثار آن در داخل کشور و احیاناً در توسعه روابطی که در سطح بین‌المللی ایجاد می‌کند مورد بررسی قرار گیرد. تا آنگاه فقها با تکیه بر این دانسته‌ها و با توجه به مبانی فقهی در مورد نوآوری‌های مآخوذه علم بیوتکنولوژی و میکروارگانیسم و آثار آن و سنجش کلیه جوانب امر، اصل عملی و حکم فقهی را بیان نموده و قانونگذار بر اساس احکام روشن فقهی حدود و ضوابط آن را دقیقاً مشخص نماید. اینها همه مسائل جدیدی است که پیشروی فقه معاصر قرار داشته و تامل بیشتر فقها و احکام صریح و روشن ایشان و نیز قانونگذار را طلب می‌دارد.

۲- مالکیت معنوی در نظام حقوق خصوصی

قانون ایران تعریف جامعی از اثر یا آفریده‌ی معنوی و فکری ارائه نموده است و فقط ماده یک قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ می‌گوید: از نظر این قانون به مؤلف و مصنف و هنرمند پدید آورنده و به آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید، بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و با ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته «اثر» اطلاق می‌شود. از مهم‌ترین و مشکل‌ترین مباحث در قانون نویسی بخش تعاریف است چرا که تعریف باید جامع افراد و مانع اغیار باشد تا بتوان قوانین جامع و کاملی در مورد آن موضوع تدوین کرد. در ماده یک قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، ملاک اساسی برای تشخیص یک اثر منتج شدن آن از دانش یا هنر یا ابتکار می‌داند و طریقه‌ی بیان یا ظهور یا ایجاد را به هر نحو که باشد، ذیل این عنوان پذیرفته است؛ هر چند که مواد بعدی این قانون به مرزبندی این مفهوم قدم برداشته‌اند. اشکالاتی بر تعریف فوق وارد است؛

۱- این تعریف، اوصاف اصلی و دقیق یک اثر فکری یا ذهنی را بیان نمی‌کند.

۲- همه افراد آن را شامل نمی‌گردد، در حالی که از یک تعریف کامل، چنین انتظاری دور از ذهن نیست.

۳- همچنین این تعریف افرادی را در بر می‌گیرد که در عرف و در اصطلاح حقوقی به آنها اثر اطلاق نمی‌گردد. به طور مثال تعریفی که از اثر در قانون به عمل آمده، اختراعات و اکتشافات را نیز شامل می‌گردد و حال آنکه با توجه به عنوان قانون و ضوابط مقرر در آن، روشن است که مقررات مزبور ناظر بر تالیفات، تصنیفات و پدیده‌های هنری است ولی اختراعات یا اکتشافات چه از نظر خصوصیات و چه از نظر شرایط حمایت و مدت حمایت با آفرینه‌های فکری تفاوت دارد. شاید بتوان اثر معنوی را این چنین تعریف نمود: اثر یا آفرینش فکری به آن دسته از محصول ذهنی اطلاق می‌گردد که اصیل باشد. لذا بر این اساس بهتر است در تعریف اثر گفته شود: اثر، محصول اصیل تلاش آزاد فکری انسان است که در شکل و فرمی خاص، ابراز شده باشد.

۳- خصوصیات اثر معنوی و فکری

از مجموع همه تعاریف مهمترین ویژگی‌ها و خصوصیات اثر با پدیده معنوی اینست که اولاً حاصل فعالیت‌ها و تراوشات ذهنی پدید آورنده باشد، ثانیاً به نحوی از انحاء در آن وصف اصیل و بدیع بودن مشهود باشد، همانطور که از مواد ۱ و ۲ قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان چنین استنباط می‌شود. در حقوق فرانسه نیز حقوقدانان، راجع به اثر معنوی، همان استنباط را از مقررات مالکیت ادبی و هنری دارند. البته در خصوص وصف اصالت و ابتکار اثر و شرایط آن نظرات متعددی مطرح شده است. اکثر حقوقدانان فرانسوی بر این عقیده‌اند که اصالت اثر، کاملاً مفهوم شخصی دارد و در این زمینه مفهوم نوعی آن نباید مورد توجه قرار گیرد. اصالت آفرینه فکری در مفهوم شخصی عبارت از این است که اثر پدید آمده مظهر شخصیت آفریننده آن اثر باشد و اگر اثر فکری دارای چنین وصف یا خصوصیتی باشد به عنوان یک اثر اصیل تلقی می‌گردد و قابلیت حمایت قانونی دارد. ولی فرقی

۱. سید حسین صفایی، ص ۷۲ و ۷۴ کلود گلمیه، اصول بنیادین حقوق مولف، ترجمه علیرضا محمدزاده وادقانی، تهران: میزان، ۱۳۸۵.

ندارد که اثر پدید آمده، بدیع، نو و جدید باشد یا نباشد. بنابراین اگر آفرینه ای از نظر نوعی و عرفی یا کلی، اثری جدید و نو نباشد، چنین اثری، یک اثر اصیل خواهد بود. با این ترتیب اگر نقاش معروفی به طور مثال مرحوم کمال الملک با الهام گرفتن از قله دماوند، منظره و تابلویی را ترسیم کرده باشد و ده سال بعد، هنرمند دیگری از همان منظرگاه تابلوی مشابه تابلوی قبلی ترسیم کند، بدون اینکه تابلوی قبلی را الگوی کار خود قرار داده باشد و تقلیدی در بین نباشد، تابلو دوم که شبیه تابلوی قبلی است، عرفا بدیع و جدید محسوب نمی‌گردد ولی چون در تابلو اخیر، شخصیت نقاش جدید تبلور دارد، چنین اثری اصیل محسوب است و قابلیت حمایت قانونی دارد.^۱ همچنین اگر دو نویسنده از موضوع و فکر واحدی برای خلق اثری مستقل استفاده کنند و هر دو کتاب دارای نتیجه واحدی باشد ولی جمله بندی و ترکیب کلمات این دو کتاب متفاوت باشد، هر دو کتاب به عنوان آفرینه اصیل به حساب خواهد آمد، هر چند کتاب دوم که از نظر تاریخ چاپ، موخر بر آن دیگری است، مفادا بدیع و جدید نیست. البته اگر آفرینه ای واقعا جدید و بدیع باشد، بدون تردید، چنین اثری نوعا و عرفا نیز اصیل خواهد بود. عده ای دیگر از حقوقدانان، ابتکار را معیار اصیل بودن آفرینه فکری می‌دانند و در تفسیر اصالت آفرینه می‌گویند: «وقتی پدید آورنده در آفرینه و پدیده ذهنی خود ابتکار به خرج می‌دهد، در حقیقت از استعداد و شخصیت خود چیزی به آن افزوده و یا به آن پیوند زده است. بنابراین پایه و اساس حمایت قانونی از آفرینه یک مولف، ابتکاری است که به خرج داده است.»

البته عده ای از قانونگذاران، بر این نظرند که جدید و ابداعی بودن اثر معنوی و فکری لازم نیست.^۲ یعنی چندان مهم نیست که موضوعی با پدیده ای ابداعی و جدید یا غیر ابداعی و قدیمی باشد، اما اگر در ارائه مطلب و موضوع فکری، ابتکار به کار رفته باشد، اثر پدید آمده به عنوان پدیده اصیل تلقی می‌شود و قابلیت حمایت قانونی دارد. در نتیجه اگر این تالیف یا تصنیف، باعث رشد فکر و اندیشه انسان‌ها شود و بتواند چیزی بر دانش خواننده تالیف بیفزاید و فکر او را تقویت کند، کافی است که چنین اثری واجد وصف ابتکار و آفرینه ای اصیل تلقی گردد. در نهایت، بر اساس تعریفی که ارائه شد، پدیده با اثر آن است که حاصل فعالیت‌ها و تراوشات ذهنی پدید آورنده باشد که البته احراز آن یک امر شخصی است و تابع نظر پدید آورنده است و همچنین اینکه به نحوی از انحاء، در وصف اصیل و بدیع بودن مشهود باشد. که احراز آن یک امر نوعی بوده و تابع نظر عرف خواهد بود.

۴- مالکیت‌های ادبی و هنری

مالکیت‌های فکری زاینده اندیشه و فکر و هنر آدمی است و همان گونه که ذکر شد از زمان‌های دور مورد توجه بوده لیکن در عصر جدید اهمیت فوق العاده ای یافته است. آفرینش‌های فکری به دو بخش عمده تقسیم می‌شود: یکی مالکیت ادبی و هنری است و دیگری مالکیت صنعتی و تجاری در بخش مالکیت ادبی و هنری گونه‌های مختلف آثار ادبی و هنری همچون کتاب، مقاله، رساله، نمایشنامه، شعر، آثار سینمایی، نقاشی، پیکره عکاسی، آثار رادیویی و تلویزیونی و حقوق پدید آورندگان این آثار مورد حمایت قرار می‌گیرد.^۳ در بخش مالکیت صنعتی و تجاری، اختراعات و اکتشافات، علائم صنعتی و تجاری، نام تجاری و ... موضوع بحث هستند. همچنان که در صفحات پیشین اشاره شد، بخش مالکیت صنعتی و تجاری در ایران از سابقه ی بیشتری برخوردار است و قوانین چندی در این زمینه وضع شده و به ویژه قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب اول تیرماه ۱۳۱۰ در این بخش قابل توجه است. علاوه بر این در ۲۴ آذرماه ۱۳۳۸ جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین المللی پاریس در حمایت از مالکیت‌های صنعتی و تجاری و کشاورزی ملحق گردید.^۴ لیکن بخش مالکیت ادبی و هنری در کشور ما از سابقه ی کمتری برخوردار است. قوانینی نیز در این رابطه در داخل کشور تدوین شده است، ولی تاکنون ایران به عضویت هیچ یک از کنوانسیون‌های بین المللی در زمینه مالکیت‌های ادبی و هنری در نیامده است. بحثی که ذکر آن در اینجا ضروری به نظر می‌رسد این است که آیا «حق سرفقلی» جزء مجموعی مالکیت‌های فکری است؟

در این زمینه با دو اصطلاح اسرفقلی و حق کسب و پیشه یا تجارت روبرو هستیم که توضیح هر یک ضروری است: سرفقلی: «پولی است که مستأجر ثانی (به معنی اعم) به مستأجر سابق در موقع انتقال اجاره بلاعوض می‌دهد و همچنین مستأجر اول به موجر (مالک) می‌دهد»^۵ حق کسب و پیشه و تجارت احقق است برای مستأجر بازرگان و پیشه‌ور و مطلق کسانی که از طریق اجاره از مکانی کسب معاش می‌کنند ولو آن که بازرگان نباشند. پس اسرفقلی عبارت است از وجهی که مالک در ابتدای اجاره و جدا از مال الاجاره از مستأجر می‌گیرد تا محل خالی را به او اجاره دهد.

حق سرفقلی که قانون روابط موجر و مستأجر مصوب خرداد ۱۳۳۹ از آن به حق کسب و پیشه با تجارت تعبیر کرده و در قانون ۱۳۵۶ با اندک تغییر (حق کسب یا پیشه یا تجارت) آمده است، «حقق است که به موجب آن مستأجر مئصرف در اجاره کردن محل کسب خود بر دیگران مقدم شناخته می‌شود که این حق نیز در اثر فعالیت مستأجر در جلب مشتری، پدید آمده است.»^۶

۱. اسدالله امامی، حقوق مالکیت معنوی، اول، تهران: میزان، (۱۳۸۶)، ج ۱، ص ۹۳

۲. عبد الرزاق سنهوری، الوسیط فی شرح القانون المدني، اول، (قاهره: مصر، ۱۳۸۲)، ج ۸، ص ۲۳۹

۳. همان، ص ۲۲۴

۴. کانونیان، حقوق مدنی، (اموال و مالکیت، ص ۶۲)

۵. محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، همان، ص ۳۵۷

۶. کشاورز، بهمین، حق سرفقلی و کسب و پیشه و تجارت، ص ۳۷

ناگفته نماند که اصطلاح حق کسب یا پشه یا تجارت ایرای نخستین بار در قانون مالک و مستأجر ۱۳۳۹ به کار رفت. و قانونگذار از واژه‌ی معارف سرقفلی دست برداشت و به جای آن از ترکیب احق کسب یا پیشه با تجارب و استفاده نمود. گرچه ماهیت و اوصاف حق در همه‌ی موارد یکی است و حق تاجر یا پیشه‌ور مظاهر گوناگون و اقسام یک مفهوم هستند. در محدوده قانون ۱۳۵۶ حق کسب و پیشه یا تجارب را می‌توان چنین تعریف کرد: «حق است مالی که به تبع مالکیت منافع برای مستأجر محل کسب و پیشه و تجارت تحقق می‌یابد و قابلیت انتقال به غیر را توأم با منافع عین مستأجره دارد». اما قانونگذار در قانون روابط موجر و مستأجر مصوب بیست و ششم مردادماه ۱۳۷۶ سرقفلی را در مفهومی به مراتب محدودتر از حق کسب و پیشه و تجارت به کار برده چرا که آن را حاصل دسترنج و شهرت و امانت تاجر و پیشه‌ور نمی‌داند و از شاخه‌های حق مالکیت موجر و اختیارات ناشی از آن می‌شمرد. بدین ترتیب سرقفلی را باید از دید نویسندگان قانون ۱۳۷۶ به حق تقدم در انتفاع «تعریف کرد. حق که ناشی از مالکیت عین (برای موجر) یا منفعت (برای مستأجر) است با مفهوم تازه‌ای که قانون ۱۳۷۶ برای اسرقفلی، ارائه کرده است، این پرسش مطرح می‌شود که آیا سرقفلی جانشین حق کسب و پیشه و تجارت شده است؟ با آنچه در این قانون آمده ناظر به سرقفلی است نه حق کسب و پیشه و تجارت در تبصره ماده ۱۰ قانون به این عبارت بر می‌خوریم. مطالبه هرگونه وجهی خارج از مقررات فوق در روابط استیجاری ممنوع می‌باشد. بهای حق کسب و پیشه و تجارت یکی از آن گونه‌های ممنوع است. پس نمی‌توان ادعا کرد مستأجری که حق سرقفلی ندارد بابت حق کسب و پیشه و تجارت حق دارد. قانونگذار تمایلی به پذیرش حق مستأجر به عنوان حاصل کار او ندارد و می‌خواهد همه چیز را به ثراضی و عقد اجاره و مالکیت موجر برگرداند در نتیجه باید گفت سرقفلی با مفهومی که در حقوق فرانسه مطرح است ۲ جزو مالکیت‌های فکری است و در حقوق ایران نیز اگر عنصر اساسی سرقفلی و حق کسب و پیشه و تجارت را، حق پر مشتریان دائم که در نتیجه فعالیت مستأجر متصرف پدید آمده بدانیم که در قوانین موجود این گونه نیست حق سرقفلی و کسب و پیشه و تجارت را می‌توان جزو مالکیت‌های فکری دانست.

۵- ماهیت حقوقی و مالکیت‌های ادبی و هنری

درباره‌ی ماهیت حقوق پدید آورندگان و به ویژه حقوقی مؤلف دیدگاه‌ها و نظرات متفاوت و گاه متضادی ارائه شده است. این امر بدان جهت است که اولاً این مقوله تأسیس جوان و نوپایی است ثانیاً این مقوله‌ی حقوقی از هیأتی واحد و یک پارچه برخوردار نیست و در واقع ترکیبی است از حقوق مادی و حقوق معنوی یا اخلاقی برای مؤلف. یعنی از یک سو پدید آورنده‌های حقوقی مادی دارد که براساس آن دارای حق مالکیت بر نسخه اصلی اثر و بهره برداری مالی از آن است و از سویی دیگر همو حتی معنوی و اخلاقی دارد که نمایانگر شخصیت وی است و بر این اساس می‌تواند هرگاه بخواهد اثر را نشر و عرضه نماید یا به معرض نمایش بگذارد و به بنابراین وقتی سخن از ماهیت حقوق پدید آورندگان به میان می‌آید باید مجموعه‌ی این ویژگی‌ها و اختصاصات مد نظر قرار گیرد. حال، در این مبحث در میان نظریات متعدد، به مهمترین نظریات دریاب ماهیت حقوق پدید آورندگان اشاره می‌نماییم.

۶- نظر یه‌ی حقوق طبیعی

در قرن هیجدهم در انگلستان و همزمان در آمریکا این مسأله مطرح شد که آیا حق مؤلف داخل در مالکیت، «کامن لا» و جزو حقوق قطری است یا جزو امتیازاتی است که به موجب فرمان شاه یا قوانین خاص به افراد اعطا می‌شود. در این عصر نظر عمومی بر این بوده است که حق مؤلف، یک حق قطری و نوعی مالکیت است. «فرانسوا هپ» رئیس سابق اداره‌ی حق مؤلف یونسکو نیز عقیده دارد که حق مؤلف در زمره حقوق طبیعی است و مانند کلیه اقسام حقوق طبیعی از دیر باز وجود داشته و پسر به تدریج بدان واقف گشته و لزوم رعایت آن را احساس کرده است.

۷- حقوق مالکیت‌های فکری در فقه عامه

آخرین موضوعی که در این نوشتار پیرامون آن بحث می‌شود بررسی حقوق مالکیت‌های فکری در فقه عامه است، که ضمن بیان این مسأله دیدگاه هر یک از مذاهب جداگانه مطرح خواهد شد و در پایان نظر چند تن از فقهای اهل سنت را ذکر خواهیم کرد

۱-۷- بررسی حقوق مالکیت‌های فکری از دیدگاه فقه عامه

۱. کاتوزیان، ناصر، نقادی تحلیلی بر قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۲۶/۵/۱۳۷۴؛ مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران ش ۴۵، پاییز، ۱۳۷۸: ۵۳.
۲. سرقفلی در حقوق فرانسه دارای مفهوم وسیعی است. برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به مرجع بن معاملات معوض - ص ۵۱۴

هیچ یک از پیشوایان مذاهب فقهی یا فقیهان پیشین، این مسأله را به گونه موضوعی مورد بررسی عمیق و دقیق قرار نداده و به ریشه یابی آن نپرداخته اند. تنها امام قزاقی مالکی که سخنانی کم و کوتاه در این باره گفته و ما در کتابش الفروق به آنها دست یافته ایم.^۱

بحث از حقوق مؤلف، به نظر می رسد در فقه عامه نیز جزو مسائل مستحدثه باشد. از این رو هنوز مبنای فقهی تمام و کمالی برای آن تبیین نشده است. و همانند فقه امامیه نظرات پراکنده و مقالاتی چند را می توان در این زمینه یافت که در این نوشتار با استفاده از آنها مسأله مالکیت های فکری و حقوق متعلق به آنها مورد بررسی قرار می گیرد.^۲ منظور از تولید فکری مبتکر آن صورت فکری است که از آنها ملکه ی راسخه ای در روان دانشمند، ادیب و ... حاصل آید و این ملکه ی راسخه ناشی از نوآوری آن مبتکر باشد و کسی بر او در این نوآوری پیشی نجسته باشد.

نکات اساسی مستفاد از تعریف:

۱) تولید مبتکر عبارت است از صورت فکری، این صورت فکری عینیت ندارد تا مانند کتاب و ... در خارج عینیت یابد، ولی عینیت کتاب تجلی آن افکار است و وسیله ای برای استیفای منفعت این تولید می باشد.

۲) این صورت با قید «ابداع» مشخص شده اند، تا صورتی مکرر و مشابه با صورت پیشین دیگر و یا صورت ربوده شده از جای دیگری نباشد. در عین حال گفتنی است که شرط نیست که تمام تولید مبتکر پدیده ی نوینی باشد، چرا که هر تولید کننده ی فکری به ناچار با مباحث و معلومات و میراث های علمی پیشین در ارتباط است. بنابر این تولیدات فکری در کمیت و کیفیت نوآوری و مقدار زمانی که روی آن صرف شده با یکدیگر اختلاف دارند. بر این اساس نوآوری نسبی است نه مطلق.

۳) صورت فکری ابتکاری، نقش تعیین کننده ای در ایجاد آن ملکه ی راسخه دارد، ولی با وجود این عین آن ملکه نیست بلکه از آن گرفته و ناشی شده است.

۴) در این تعریف قید دیگری غیر از عالم و ادیب را می توان افزود تا تعریف تعمیم یابد و سایر علوم و انواع مختلف مالکیت های فکری را فرا گیرد.^۳

از دید فقهی تولید فکری بسیار شبیه میوه است که از درختش جدا شده باشد و نیز شبیه فواید اعیان خارجی است، زیرا | تولید فکری مبتکر از صاحبش جدا می شود تا در کتابی با ظرفی خارجی جای گیرد و به این وسیله دارای وجودی مستقل و نمودی آشکار می شود، و به همین دلیل می بینیم که ابن تیمیة این فایده را شبیه منفعت دانسته از این جهت که منفعت در صورت بقاء اصل آن قابل استیفاء است یعنی منفعت معنوی مانند میوه ی در صورت بقاء اصل، قابل بهره وری است با این تفاوت اساسی که میوه جدا شده از درخت دیگر هیچ رابطه ای با درخت ندارد، در حالی که تولید علمی رابطه اش با مؤلف پایدار است، زیرا ناشی از ابتکار و فکر و قوه ی عقلی و علمی مؤلف است. بدین ترتیب می توان دو ویژگی عمده برای تولید فکری مبتکر (اثر ابتکاری) برشمرد: تولید فکری منعکس کننده ی شخصیت علمی مبتکر است و این حالت، ویژگی ذاتی تولید فکری می باشد و بلکه در واقع، این انعکاس شخصیت، خود ذات معنوی است و منشأ رابطه ی تولید فکری مبتکر و مبنای مسؤولیت وی در قبال تولید فکری است. شخصیت علمی مانند درختی است که میوه می دهد ولی این درختی معنوی است، یا به عبارتی ملکه ی راسخه ی ذهنی جایافته در روان انسان است که علماء اصول فقه از آن به عقل یا قریحه یاد می کنند. دوم: تولید فکری ره آورد و دستاورد تلاش هایی است که اعمال شده و از شخصیت معنوی که ریشه و اصل است جدا گشته و محل و مکان یا منبع مادی مشخص گرفته به گونه ای دارای وجودی مستقل شده که بهره وری کمی و کیفی از آن تنها از همین محل و منبع ممکن است.^۴

همه ی مالکیان و شافعیان و حنبلیان اتفاق دارند، که تولید فکری و همه ی منافع هرگاه بهره وری از آنها مباح شرعی باشد اموالی هستند که مالیت در ذات آنها قوام دارد و در مالیت با اعیان یکسان است. بر همین اساس عقود ناقل ملکیت بر آنها مترتب است و غاصب این فواید و منافع ضامن است. فقهای پیشین حنفیه «نیز در اجتهادشان منافع را به شرطی که بر آنها عقد جاری شود مال دانسته اند. بدین سان منافع مورد تعاقد مال منقوم خواهد بود، چرا که به مقتضای رعایت مصلحت عامه و نیاز مردم به این منافع و فواید در زندگی روزمره، این منافع مورد عقد قرار می گیرند و نیز به دلیل این که در عرف معاملاتی مردم جای دارند و عرف هم مستند به مصلحت و نیاز عمومی جامعه است و در عرف نیز همواره مردم از وقوع در حرج پرهیز دارند که خداوند نیز همین را اراده نموده است که عسر و حرجی در امر دنیا و دین بر مردم نباشد. بررسی معیار مالیت اشیاء مادی و معنوی در اجتهادات پیشوایان مذاهب فقهی دیدگاههای هریک از مذاهب اهل سنت را جداگانه در مبحث آینده می آوریم.

۷-۲- مالکیت های فکری در پرتو مفهوم مال از دیدگاه مذاهب اربعه

همان گونه که ذکر شد فرآورده های ذهنی پس از انفصال از ملکه علم و استقرار در کتاب و یا عین خارجی شبیه منافع نمرات است - از حیث انفصال - و نیز گفته شد: فقهای «حنفی»، بر این باورند که منافع همانند اعیان اموال به حساب می آید. حال در

۱. فتحی الدینی، حق الابتکار فی الفقه الاسلامی فی المقارن، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۱ق، ص ۷. برای اطلاع بیشتر رک: قزاقی مالکی، الفروق، الجزء الاول، ص ۲۰۸.

۲. منبع پیشین، ص ۹

۳. همان، ص ۱۹

۴. رک: قرآن کریم ۵/۶ و ۲۲/۷۸

اینجا ضروری است که به صورت گذرا متعرض معیار مالیت اشیاء مادی و معنوی در عرصه ی اجتهادات مذاهب فقهی اسلامی و ادله ی مربوطه ی آن شویم تا بتوانیم بحث جامعی پیرامون « حق مالکیت فکری » و مالیت این گونه حقوق مطرح کرده باشیم.

الف - ملاک مالیت اشیاء در فقه شافعی^۱: در قواعد زرکشی در تعریف مال بر اساس فقه الشافعی چنین آمده است: «ان المال ماکان منتفعاً به... و هو اما اعیان أو منافع» مال چیزی است که به وسیله ی آن انتفاع حاصل می شود و آن چیز یا عین است یا منافع. در این مذهب مال شامل اعیان و منافع می شود، امام سیوطی^۲ عنصر عرف را وسیله ارزیابی مالکیت دانسته و می گوید: «عرفه اسم مال اطلاق نمی شود، مگر بر چیزی که دارای قیمت است و با آن معامله می شود و متلف آن ضامن است» از این تعریف معلوم می شود که عرف اساس مالیت اشیاست و چون در عرف مالیت دارد متلف آن ضامن است و شیء باید دارای منفعت باشد، زیرا آنچه که نفع ندارد قیمت نیز نداشته و در نتیجه مال نیست. خلاصه این که منفعت اساس قیمت و اعتبار مالی اشیاست و به عبارت دیگر «ان المنافع هی المقصود الظهر من جمیع الأموال» مقصود نهایی از جمیع اموال منافع است.

ب- معیار مالیت اشیاء در فقه حنبلی^۳: تعریف فقه حنبلی از مال چنین است «ان المال ما فیه منفعة مباحة لغير حجة أو ضروره... ام ما لا نفع فیه کالحشرات و ما فیه نفع محرم کالخمر و مالا یباح للأضروره کالمیته فلیس مالا» مال چیزی است که در شرایط عادی دارای منفعت حلال باشد، زیرا در وقت اضطرار هر چیزی حلال می شود و چیزهایی که نفعی ندارد مثل حشرات و یا نفع حرام دارد مثل خمر و یا هنگام اضطرار مباح می شود و چیزهایی که نفعی ندارد مثل حشرات و یا نفع حرام دارد مثل خمر و یا هنگام اضطرار مباح می شود مانند میته مال نیست.

نکات مستفاد از تعریف:

- ۱- مالیت اشیاء به منفعت و اثر است نه به عینیت و مصادر ، و محل های اشیاء ابزار استیفاء منفعت و حیازت و تقدیر آن می باشد؛ بنابراین قیمت شیء به منفعت آن است.
- ۲- وقتی که مناط مالیت ، منفعت باشد، طبعاً به هر جریان معاوضه ی عرفی که در آن نفع باشد، قابل توسعه است و حتی چیزی که در گذشته منفعت نبوده و اکنون بر اثر اکتشافات علمی دارای منفعت شده مثل خون انسان، مال محسوب می شود.
- ۳- بر اساس مناط مالیت در فقه حنبلی ، وقتی که کرم ها به جهت منفعت محدودی که دارند (طعمه) در راه صید پرندگان و با ماهی ها می شوند) مال به حساب می آیند، در این صورت منفعت هایی مثل ابتکار ذهنی به طریق اولی مال خواهد بود.
- ۴- تولیدات و فرآورده های علمی از مصالح عمومی و ضروری بشر است ، لذا از مقاصد قطعی شرع به شمار می آید که احراز آن واجب است و چون اساس شرع بر جلب مصالح و مفاسد است، بنابراین رعایت حقوق مبتکر در راستای تحقق مصلحت عامه و عدل شرعی است و نفی حق مبتکر با روح شرع و عدل آن مغایر است که باید از آن اجتناب کرد.
- ج- ملاک مالیت اشیاء در فقه مالکی^۴: در این مذهب نیز، مال مفهومی عرفی دارد که در آن مفهوم ، اختصاص و منع غیر از تعهدی نهفته است. اعتبار شرعی، ملاک مالیت اشیاء می باشد. امام شاطبی در «المواقعات» می گوید: «المال ما یقع علیه الملك و یستند به المالك، مال چیزی است که ملک بر آن مترتب است (عرف) و مالک نسبت به آن سیطره دارد. طبق این تعریف مفهوم مال بر یک امر اعتباری و یا وصف شرعی بار شده است، امری که در آن مفهوم اختصاص و منع غیر از تعهدی نهفته است. در این تعریف اعتبار شرعی مناط مالیت اشیاء است خواه مادی باشد یا معنوی و حقوق که قوام آن بر اساس ملکیت است مال به حساب می آید، زیرا جوهر حق اختصاص است و اختصاص جوهر ملک و حقیقت آن است . پس مال شامل عین و منفعت و حقوق می شود. بعضی از فقهای مالکی گفته اند: چنانچه کلمه ی «مال» به صورت مطلق استعمال شود شامل عین و عرض می شود و عرض را چیزی می دانند که عقلاً امکان درک حسی آن وجود ندارد مگر این که به منبع آن توجه شود. خلاصه این که، در این مذهب مال مفهومی عرفی دارد و هر چیزی که منفعتی داشته باشد و دارای قیمت باشد مال محسوب می شود و در هر حال مناط مالیت اشیاء امر اعتباری (اعتبار عرف) یا وصف شرعی اعتبار شرع است.

د- ملاک مالیت اشیاء در فقه حنفی^۵: به بیان دکتر وهبه زحیلی حنفیه مصداق مال را در اشیاء و اعیان مادی حصر کرده اند و غیر حنفیه منافع و حقوق را نیز اموال فرض کرده اند، زیرا چنان که ذکر شد مقصود از اشیاء منافع آن است نه ذاتشان و این رأی مورد عمل قانون و داد و ستد عرف می باشد. حنفی ها در مال دو عنصر را شرط می دانند: ۱- امکان حیازت و احراز ۲- امکان انتفاع در شرایط عادی. بنابر این اموری مثل: علم و ذکا و شرف مال نیست چون امکان حیازت در آنها نیست همچنین هوا و حرارت خورشید و نور ماه به این دلیل که امکان سیطره در آن وجود ندارد مال نیست. همین طور گوشت میته و غذای مسموم مال نیستند، چون در شرایط عادی مورد انتفاع نمی باشد^۶. متقدمان حنفی منافع را در صورتی که عقد معامله در آن جاری شود از اموال منقول - اموالی که انتفاع از آن شرعاً مباح - دانسته اند، زیرا مصلحت و مورد نیاز مردم بودن در آن جاری بوده و منع از آن چه در عرف آنها معمول شده به معنای انداختن آنان در حرج است که از ناحیه ی شرع منع شده است (و ما جعل علیکم فی الدین من حرج). کلام متقدمان یک استثناء استحسان از قیاس عامی است که در مورد مال دارند و مستند استحسان آن ها مصلحت جامعه و

۱. فتحی الدربینی، همان، ص ۲۳ به بعد - محمد رضا ایروانی، حق ابتکار در فقه اسلامی مقارن ، نامه مفید ، مال اول، ش ۴، ص ۲۲۰-صحنی محمصانی ، النظرية العامة للعقود الموجبات العقود فی الشريعة الاسلامیه - الجزء الأول، ص ۴- پژمان محمدی ده چشمه، همان، ص ۱۴۲

۲. الدربینی ، همان، صص ۲۸-۲۶ - ابن قدامه، المغنی با شرح گیر ، ج ۵، ص ۴۳۹- محمد رضا ایروانی ، همان

۳. الدربینی ، همان، صص ۲۸-۲۵

۴. محمد رضا ایروانی ، همان، ص ۲۲۱

۵. وهبه الزحیلی : الفقه الاسلامی و ادله، ج ۴، ص ۴۲ الدربینی ، همان، صص ۴۲ - ۲۱ محمد رضا ایروانی ، همان

حاجت جاری عرف است. ولی فقهای متأخر حنفی با جمهور علما بوده و عنصر عینیت را از مقومات مفهوم مال نمی دانند. چنان که در نظر آنان: او یطلق المال علی القیمه مال بر قیمت اطلاق می شود. بنابر این مناط مالیت قیمت است که با درهم و دینار ارزیابی می شود. هر چه بین مردم قیمت داشته باشد شرعا مال به حساب می آید. مردم نیز قیمت را بر اساس منافع ارزیابی می کنند. به این ترتیب عرف، حرف اول را در مالیت امور می زند در صورتی که انتفاع مباح شرعی باشد و با این وجه حنفی ها نیز با شافعی ها و مالکی ها و حنبلی ها هماهنگ شده اند. چنان که از مجموع مطالب استفاده می شود، مالکیت های فکری نیز به عنوان منافع که از اصل یعنی شخصیت علمی و ملکه ی راسخه ی مالک حاصل شده است مورد تاکید قرار گرفته و از این جهت به تصریح فقهای مذاهب اربعه اهل سنت داخل در محدوده ی مال است و بدیهی است چیزی که مال محسوب می شود تصرف در آن، انحصار، خرید و فروش آن، وصیت، ارث و ... مجاز شمرده می شود. فقهای عامه برای ضرورت حمایت از حقوق مؤلف به دلایل دیگری نیز استناد می نمایند.

۱- مصالح مرسله: یعنی در مواردی که حکم خاص شرعی وجود ندارد، باید حکم را بر مصلحت جامعه منطبق نمود و مفسده را دفع کرد.

۲- اگر منافع کارهای عملی و جسمی مال باشد، به طریق اولی منافع فکری مال محسوب می شود.

۳- قاعده ی فقهی «الخراج بالضمن» یعنی کسی که مسؤولیت چیزی را دارد در مقابل این ضمان، از منافع آن نیز سود می برد و نیز قاعده ی الغرم بالغنم، به این معنی که ضرر در مقابل بهره مندی قرار می گیرد حقوق مؤلف را تأیید می کند.

۴- مشروعیت انتفاع از شی، دارای قیمت یا مال، احتیاج به دلیل اثباتی ندارد، زیرا اصل اباحه است. و عدم وجود دلیل تحریمی در این موارد برای اثبات این حقوق کافی است

دکتر افتریحی الدرینی^۱ پس از طرح مباحث مختلف نتیجه می گیرد که حقوق مؤلف در قالب حقوق مالکیت جای می گیرد و در مقابل این ایراد که چنین مالکیتی دارای تمام حقوق متصور برای مالک (حق استعمال، حق استثمار و حق اخراج از ملک) نمی باشد چنین پاسخ می دهد که مالکیت فی نفسه علاقه اختصاصی با حکم شرعی است که در مورد عین یا منفعت مقرر است ولی خود مالکیت جزء آثار مالکیت است نه خود آن. اقتضای مالکیت وجود این حقوق است؛ ولی خود مالکیت به محض تحقق شرایط لازم بوجود می آید. مالک حق ارتفاق نیز حق اخراج این حق را ندارد. ولی چنین خصیصه ای موجب خروج این حق از مالکیت وی نمی شود. پس مؤلف نیز مالک حقوق خود است.^۲

۷-۳- دیدگاه چند تن از فقهای اهل سنت

در این قسمت به بررسی نظرات چند تن از فقهای معاصر اهل سنت که در زمینه ی مالکیت های فکری مباحثی را مطرح کرده اند؛ می پردازیم تا با نظرگاه اهل سنت در مسأله کاملا آشنا شویم.

الف - دیدگاه استاد عبدالحمید طهماز^۳: استاد در زمینه «حق مؤلف» معتقد است: هیچ کس نمی تواند منکر حق مؤلف در کتابی شود که آن را تالیف کرده است. چرا که در نوشتن آن کتاب تلاش فکری و علمی کرده و زحمت کشیده است و نیز به این دلیل که مؤلف مسؤولیت دنیوی و اخروی محتوای کتابش را بر عهده دارد، او با نقل دو قاعده ی «الخراج بالضمن» و «الغرم بالغنم» که پیش از این آوردیم بر اثبات حق مؤلف تاکید می کند.

در اینجا سؤالی که مطرح می شود این است آیا جایز است مؤلف، حق خود را بفروشد؟ ایشان در پاسخ می گوید: فروش حقوق از جمله مسائل فقهی است که آراء فقیهان در آن بسیار است تعداد آرا در مسأله ی فروش حقوق ناشی از اختلاف دیدگاه فقیهان در مقدار مالکیت حقوق است که آیا حقوق از اموال است یا خیر.

فقهای متقدم حنفی حقوق مجرده را از اموال نمی دانستند ولی فقهای متأخر به دو نوع حقوق قائلند

۱- حقوقی که شرع آنها را برای صاحبان حقوق ثابت کرده تا از آنان رفع ضرر کرده باشد مثل حق شفعه و حق زوجه و حق خیار

۲- حقوقی که برای صاحبان آن اصاله وضع شده و برای رفع ضرر از آنان جعل نشده است؛ مانند حق قصاص قاتل برای ولی مقتول و حق شوهر در ابقاء حق نکاح، در چنین حقوقی گرفتن بدل و عوض مالی جایز است.

حق مؤلف از نوع دوم حقوق است، زیرا این حق برای رفع ضرر از مؤلف جعل نشده است بلکه حق ابتدایی اوست، چرا که اگر تلاش فکری و علمی و زحمت او نبود، کتابی وجود نداشت پس حق وی در کتاب حق اصیل و ثابتی است که عوض مالی آن جایز است، مخصوصا پس از این که عوض مالی حق مؤلف در تمام جوامع بشری امری شایع و رایج و عرفی باشد.

ب- دیدگاه دکتر وهبه الزحیلی^۴: حق مؤلف که اکنون از آن به عنوان حق ادبی در قانون یاد می شود، مورد امضای شارع است؛ زیرا مشمول قاعده ی استصلاح یا مصالح مرسله اموری که دلیل خاص بر رد یا اعتبار آن از سوی شرع وارد نشده و لکن مشمول مقاصد شرع که همانا جلب مصلحت و دفع مفسده است می باشد) است. چون هر عملی که دارای مصلحت غالب باشد یا دفع ضرر و مفسده ای را در پی داشته باشد مطلوب شرع است، مؤلف که بذل جهد نموده احق مردم است به کتابش هم در

۱. محی الدرینی، همان، صص ۴۹-۴۸

۲. طهماز، عبدالحمید، «حق تالیف و توزیع و النشر و الترجمة، حق الابتکار فی الفقه الإسلامی المقارن»، همان، ص ۱۷۴

۳. وهبه الزحیلی، احق التالیف و النشر و التوزیع، به نقل از: حق الابتکار فی الفقه الإسلامی المقارن، همان، ص ۱۸۸ به بعد

جنب استفاده ی مادی و هم در جنب معنوی (نسبت کتاب به او) و این حق مستمر و قابل انتقال به ورثه است، زیرا پیامبر (ص) فرموده است: «من ترک مالا أو حقاً، فلورثته» هر کس مالی یا حقی به جای گذارد به ورثه او می رسد. اعرف حقوق مؤلف را معتبر دانسته و آن را از منافع اعتبار می کند و منافع، اموال است و اشیاء اعیان به دلیل منافع مورد توجه می باشند، زیرا غرض آشکار از جمع اموال همانا منفعت آن است و حتی متأخران حنفی نیز به ضمان منافع در مال موقوف و مال یتیم و مالی که آماده بهره برداری است، حکم نموده اند. حق نشر یا توزیع کتاب نیز مبتنی بر عقد قراردادی است که میان مؤلف و ناشر یا توزیع کننده ای امضاء می شود. ترجمه کتاب نیز باید به اجازه ی مؤلف کتاب و کسب رضایت او باشد. حق مؤلف و ناشر بستگی به چگونگی تقاضای کتاب و عرضه ی آن دارد. یعنی درصدی از سود حاصله بر اساس قراردادهای معمول با عرف رایج از آن ناشران و مؤلفان خواهد بود.

ج- دیدگاه دکتر نواف کعبان: رأی راجح نزد فقها جواز اخذ عوض از سوی مؤلف نسبت به فرآورده های فکری اوست، زیرا اولاً: اخذ و اجراء بر آموزش قرآن و حدیث جایز است و دلیل آن غول پیامبر (ص) است «ان أحمق ما أخذتم علیه اجرا کتاب الله - صحیح بخاری) و هر گاه در قرآن اخذ اجرت جایز باشد، اخذ عوض در تالیف به طریق اولی جایز است و ثانیاً حق مؤلف از حقوق اولیه است و در این حقوقی مبادله جایز است.

د- دیدگاه ابوالحسن ندوی: مؤلفی که پس از زحمت های توان فرسای بسیار و تلاش زیاد و صرف وقت گرانبهای خویش و چه بسا صرف سرمایه مالی بزرگی توانسته کتابی ارزشمند پی نهد، حق دارد که بهای زحمتش را دریافت کند یا در برابر بهره دیگران از آن کتاب، عوض بگیرد، و مالک قیمت یا عوض آن باشد. و با توجه به اصول شریعت اسلام و سیره و سنت برخی علمای سلف، به طور مشروط، صلاحیت آن را دارد که یک سازنده یا پدید آورنده تلقی گردد و تالیف او به منزله پدیده ی ساخته شده یا مصنوع به حساب آید و آن گونه که در شریعت اسلام هر سازنده ای مالک مصنوع خود می باشد، مؤلف نیز می تواند مالک حق ملکیت تألیف باشد و بر این اساس آن گونه که سازنده آزاد است که اجازه ی بهره برداری و کاربرد ساخته اش را به دیگران بدهد یا ندهد و در مقابل عوض بگیرد یا نه، مؤلف نیز چنین آزادی و اختیاری دارد. نظر ما در این موضوع همان سیره و سنت محدثان و عالمان پیشین است که آنان در نقل احادیث و نوشته هایشان چگونه عمل می کرده اند. به هر کس که می خواستند اجازه می دادند. برخی از محدثان اجازه ی نقل احادیث شان را می دادند و در برابر آن عوض می گرفتند. اجازه ی چاپ خود نوعی توکیل است، یعنی ناشر وکیل میان مؤلف و خریداران کتاب می باشد. لذا مؤلف حق دارد عوض حق بهره برداری از تولید نکیش را از ناشر بگیرد و نیز حق دارد تیر از نسخه های چاپی کتاب خود را معین کند. اگر میان مؤلف و ناشر توافق شد و کمیت عوض یا حق تالیف و زمان پرداخت آن در ضمن عقد قید گردید. از آنجا که چنین قیود و شروطی مغایر قواعد عقود اسلامی نیست می توان گفت که جنین بیعی جایز است، بدیهی است که تالیف نباید از اموری باشد که شرع بیان آن را بر مؤلف واجب ساخته است یعنی واجبات دینی نباشد.

ه- دیدگاه استاد وهبی سلیمان غاوجی: تالیف نوعی تعلیم است و بلکه تعلیم ثابت و جاویدی است که پس از مرگ مؤلف پایدار است، بنابراین هرگاه نویسنده کتابی نوشت و آن را چاپ کرد و برای فروش عرضه نمود و بر روی جلد آن یا در جای دیگری نوشت که حق چاپ برای مؤلف یا ناشر محفوظ است. هیچ کس جز او، حق چاپ آن را بدون اجازه قبلی و جلب رضایت و موافقت وی ندارد. این حق او است چرا که کار مباحی است و آنچه را ساخته و پرداخته نیز مباح است و این تولید مال اوست و حق خاص او می گردد. و هرگاه نویسنده یا ناشر چنان جمله ای را نوشتند دیگران می توانند آن را چاپ کنند و انواع بهره برداری را از آن بنمایند، زیرا چنین کاری مباح بوده و به معنای این است که فردی قبلاً از آن بهره برده و سپس آن را رها کرده است. گمان نکنم عرف بتواند جای جمله یا حق چاپ محفوظ است را بگیرد. به گونه ای که هر کس که این جمله را بر روی کتاب ننوشت گویی آن را نوشته و حق چاپ برای دیگران ممنوع باشد. در رابطه با حق ترجمه، اگر بر روی کتاب نوشته شده بود «حق ترجمه محفوظ» یا «ترجمه کتاب ممنوع است» بدون کسب اجازه ی قبلی از نویسنده و یا ناشر، ترجمه ی آن کتاب با فصل هایی از آن جایز نیست، اما هر گاه این جمله نوشته نشده بود، مانعی در ترجمه کتاب با بخش هایی از آن نمی بینیم.

۸- نتیجه گیری و رهیافت ها

باتوجه به بررسی های صورت گرفته در رابطه با عنوان حاضر دریافتیم که:

۱- ارائه تعریفی از حقوق مالکیت معنوی مقدور نیست چرا که این مقوله از نظریه های متفاوتی برخوردار است و در صد سال اخیر هم دچار تحولات عمده ای بود، و ابعادی متفاوت پیدا کرده است. مالکیت معنوی امروز جنبه های اقتصادی و سیاسی و حقوق بشری به خود گرفته و با تعارضی که در مسایلی چون سلامتی و حق دسترسی به اطلاعات و ... به وجود آمده، از چار چوب خاص فرهنگی با فقهی خارج شده و بنابر این تعریف جامعی نمی توان از آن ارائه کرد.

۲- ابعاد سیاسی این مساله را نمی توان منکر شد زیرا امروز دانش به مثابه ی قدرت است

۳- بحث های فقهی به جایی رسیده که حتی فقهای به که مالکیت معنوی مخالفت داشتند به دنبال راه حل هایی برای آن رفته اند تا این حقوق به هر شکلی رعایت شود.

۱. وهبی سلیمان غاوجی، حق التالیف، به نقل از حق الابتکار فی الفقه الاسلامی المقارن، همان، ص ۱۶۹ بعد

- ۴- ایران در خصوص ارتباط با سازمان جهانی مالکیت معنوی در بعد مالکیت صنعتی مشکلی ندارد. و رویه های قضایی و قوانین ما به آن نزدیک شده است. اما از نظر شرعی تعارضاتی داریم و مراجع کنوانسیون های مختلف را مشروع نمی دانیم.
- ۵- «حق» عبارت است از اقتداری که قانون به افراد می دهد یا به عبارت دیگر سلطنت و توانایی خاصی است که کسی نسبت به چیزی یا شخصی دارد. ۶- «مالکیت» رابطه ای است میان مال از یک طرف و شخص حقیقی یا حقوقی) از طرف دیگر که براساس آن مالک حق هر گونه تصرف - جز آنچه قانون ممنوع شده است را در مال و ملک خویش دارا می باشد و دارای ۳ وصف اساسی است (مراد مالکیت عین است): ۱) مطلق بودن ۲) انحصاری بودن ۳) دائمی بودن.
- ۷- «حقوق معنوی» حقوقی است غیر مادی و مربوط به شخصیت پدید آورنده که به صاحب آن اختیار انتفاع انحصاری از فعالیت و فکر و ابتکار خود را می دهد.
- ۸- حق معنوی و مالکیت معنوی در واقع نوع خاصی از حق و مالکیت است از این جهت که نه حق دینی است و نه حق عینی، بلکه مزیتی است قانونی و غیر مادی و از طرف دیگر انه جزء مالکیت اموال منقول است و نه جزء مالکیت غیر منقول، بلکه نوع خاصی از مالکیت است با ویژگی های خاص (هر چند برخی اساتید بر این باورند که با گسترش مفهوم مالکیت سنتی با دایره ی وسیعی که بخصوص در فقه اسلامی دارد می توان مالکیت های معنوی را هم جزء مالکیت مطرح در فقه دانست و به نوع جدیدی از مالکیت.)
- ۹- هر چند از نظر تاریخی شواهدی دال بر وجود حقوقی برای پدید آورندگان در یونان و روم قدیم وجود دارد، ولی توجه جدی کشورها به این حقوق با پیدایش صنعت چاپ در قرن شانزدهم و تحولات بعدی ، پدید آمد که باعث تصویب قوانین حمایتی در برخی کشورهای اروپایی و آمریکایی شد.
- ۱۰- در فرهنگ و تمدن اسلامی اصل در نشر علوم ، عدم توجه به بعد مادی آن بوده و طبق حدیثی از پیامبر اکرم (ص) که می فرماید: زکاة العلم نثره، زکات علم نشر آن است، توجه به بعد معنوی و پاداش اخروی در نشر و آموزش علوم مورد توجه بوده چنان که در مقابل تحریف کنندگان آثار نیز صاحبان آن - همچنان که در متن تاریخی در متن پایان نامه اشاره شده - به تخویف و لعن و وعید عذاب الهی بسنده می کنند.
- ۱۱- در اواخر قرن نوزدهم به دنبال گسترش ارتباطات و پیشرفت علوم و فنون ، لزوم حمایت های بین المللی از حقوق پدیدآورگان را موجب شده، لذا ابتدا این حمایت در شکل قرار دادهای همکاری مقابل و دو جانبه کشورها سپس همکاری های منطقه ای و سرانجام پیدایش کنوانسیون ها و قراردادهای بین المللی با شرکت اکثر کشورهای جهان را باعث شد. مهمترین این کنوانسیون ها، کنوانسیون پاریس در حمایت از حقوق مالکیت های صنعتی و تجارتي در سال ۱۸۸۳م. در پاریس بود که تا سال ۱۹۶۷ م استکهلم اصلاحات جدی متحمل شده است. دولت ایران نیز تا اصلاحات ۱۹۶۷ م. استکهلم به این کنوانسیون ملحق شده است. نیز کنوانسیون «برن» در حمایت از مالکیت های ادبی و هنری است که در ۹ سپتامبر ۱۸۸۶م. منعقد شد و تجدید نظر هایی نیز تا سال ۱۹۷۱م. در پاریس در آن صورت گرفت، که دولت ایران هنوز به عضویت آن در نیامده است.
- کنوانسیون جهانی حق مؤلف (قرارداد ژنو) در ۶ سپتامبر ۱۹۵۲م. به امضاء رسید، که حاوی حمایت های بیشتری از کشورهای در حال توسعه بود. نیز قراردادهای دیگری در حمایت از مالکیت های ادبی و هنری پدید آمد که در متن نوشته بدانها اشاره شده است.
- ۱۲- از سازمانهای ذی صلاح در حمایت از حقوق پدیدآورندگان، سازمان جهانی مالکیت معنوی (WIPO) و سازمان تجارت جهانی (WTO) را می توان نام برد.
- ۱۳- در ایران، از لحاظ «پیشینه ی تاریخی»، در ابتدا طبق اسناد، حقوق پدیدآورندگان فاقد حمایت قانونی بود که به موازات پیشرفت های جهانی نخست در مواد ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷ و ۴۲۸ فصل یازدهم قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۱۰ سپس در سال ۱۳۴۷ ش. پس از سیر مراحل گوناگون بالاخره لایحه ی حمایت از مؤلفین و مصنفین و هنرمندان تقدیم مجلس شد، در سال ۱۳۴۸ تحت عنوان «قانون حمایت از حقوق مؤلفان ، مصنفان و هنرمندان» به تصویب رسید و آیین نامه اجرایی آن نیز در دی ماه ۱۳۵۰ به تصویب هیأت وزیران رسید، در تاریخ ۶ دی ماه ۱۳۵۲ نیز قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثاری صوتی « به تصویب رسید که در واقع مکمل قانون ۱۳۴۸ بود و نقاط ضعف آن را تکمیل می نمود.
- در زمینه مالکیت های صنعتی و تجارتي نیز علیرغم عضویت ایران در کنوانسیون بین المللی پاریس، قانون جامعی در داخل کشور در این زمینه ی وجود نداشت. تا این که در بهمن ماه سال گذشته قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری مورد تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی قرار گرفت.
- ۱۴- در بخش تبیین حقوقی ابتدا ماهیت حقوقی مالکیت های ادبی و هنری مورد بحث قرار گرفته است که از میان نظریات متعدد مطرح شده آنچه مورد نظر نگارنده است این است که ماهیت و طبیعت حقوق مالکیت های فکری - اعم از ادبی و هنری و صنعتی - تلفیقی از نظریه ی مالکیت نظریه ی حقوق فکری است.
- ۱۵- شرایط کلی حمایت از اثر عبارت است از : محسوس بودن شکل اثر - اصالت اثر، چاپ یا پخش با نشر با اجرای اثر برای نخستین بار در ایران باشد و مالیت داشتن اثر.

۱۶- گونه های آثار مورد حمایت عبارت است از: آثار نوشته - آثار سمعی و بصری - اثر تجسمی - اثر ابتکاری بر پایه ی فرهنگ عامه، اثر فنی که جنبه ی ابداع و ابتکار داشته باشد و اثر ترکیبی

۱۷- «پدید آورنده» دارای یک رشته ی حقوقی معنوی است که هر یک دارای اقسام و خصوصیات است که به اختصار شرح داده شد.

۱۸- در مورد حمایت از مالکیت های صنعتی و تجارتي و توجه جدی کشورها به این امر از مباحثی است که در فصل دوم از بخش دوم ذکر شده است. شیوه ی اعطای امتیاز و پاداش به مخترع که شیوه ی سنتی حمایت از پدید آورندگان و مخترعان بود در سال ۱۶۲۴م. جای خود را به شیوه ی جدیدی داد و در واقع انگلستان اولین کشوری بود که قانون جدید اختراعات در آن تدوین گردید.

در زمینه ی بین المللی نیز با اتحاد کنوانسیون های برن و پاریس، دفتر بین المللی متحد برای حمایت از مالکیت معنوی که در فرانسه BIRPI خوانده می شد تشکیل گردید. در سال ۱۹۹۸م. WIPO یا به فرانسه OMPI جانشین BIRPI گردید که مجری ۲۲ معاهده در زمینه ی حمایت از مالکیت های معنوی در سطح جهات است،

۲۶- دیدگاه حضرت امام خمینی (س) از موارد مورد بحث در بخش سوم است. در ضمن مدارک مستندات نظر ایشان نیز ارائه شده و در گفتاری دیگر این دیدگاه تبیین شده است که به طور خلاصه چنین است:

حضرت امام خمینی(س) در کتاب شریف تحریر الوسیله حقوق مادی پدید آورندگان را مشروع ندانسته اند، اما با توجه به استفتایی که از ایشان شده است در آن حقوق معنوی مؤلف را مورد پذیرش قرار داده اند که می توان از پاسخ این استفتاء پذیرش حقوق مادی یا حداقل عدم انگار این حقوق را استفاده نمود، چرا که از پذیرش حقوق معنوی مؤلف می توان پذیرش حقوق مادی مؤلف را نیز استفاده نمود. دلیل حضرت امام خمینی (س) در انکار حقوق مادی مؤلف انحصار تولیدات فکری و علمی به شخص پدید آورنده است، در حالی که جامعه بدان نیازمند می دانند. پس انحصار تولیدات ادبی و هنری و صنعتی به پدید آورنده و مخترع آن هیچ مبنایی ندارد و شخص مخترع و پدید آورنده نمی تواند دیگران را از استفاده و بهره برداری از این اثر منع نماید.

در پاسخ به این اشکال باید گفت: لازمه ی شناخته شدن حقوقی برای مؤلف و پدید آورنده ای که عمری را در جهت تولید آثار ادبی و هنری و تولیدات صنعتی و پیشرفت های تکنولوژیکی صرف نموده ، این است که استفاده از این اثر و تولید باید در اختیار وی باشد در غیر این صورت حقوق معنوی وی نیز مختلف خواهد شد، ولی این انحصار استفاده که در اختیار پدید آورنده است، دارای مدت و محدودیت می باشد و مطلق و بی قید نیست. مؤلف و پدید آورنده به دلیل صرف عمر و فکر و اندیشه در تولید یک اثر مستحق استفاده از اثر تعلق اثر به وی است اما پس از بهره برداری و کسب از منافع اثر این اثر متعلق به جامعه و منافع عمومی خواهد بود در زمینه ی وضع قوانین جامع و مانع می تواند زمینه هرگونه سوء استفاده از حقوق را محدود نماید. پس در زمینه ی دیدگاه حضرت امام خمینی (س) گفتنی است که مؤلف و پدید آورنده از آن جهت که عمر و فکر و اندیشه و ابتکار خویش را در خلق اثر بکار گرفته مستحق استفاده از منافع آن است، منتهی این انحصار توسط قوانین هر کشور محدود به مدت معینی است و پس از آن اثر متعلق به جامعه و جزء میراث عمومی خواهد بود. حال اگر بر اساس نظر امام شخصی کتاب کسی را بدون اذن مؤلف، ولی بنام او چاپ و منتشر نماید و به مؤلف به همان میزانی که ناشر مجاز حق تألیف می دهد، بپردازد، در این صورت اشکالی متوجه نظر امام نخواهد بود.

۲۷- اکثریت فقهای که در این موضوع مباحثی را مطرح نموده اند هریک به طریقی مشروعیت این گونه حقوق و مالکیت ها را تبیین نموده اند.

۲۸- در فقه عامه نیز موضوع «حق مالکیت فکری» از مسائل مستحدثه است و تنها در سالهای اخیر مباحثی پیرامون آن صورت گرفته است. علی ای حال تولید فکری مبتکر در این دیدگاه بسیار شبیه میوه است که از درختش جدا شده است. در واقع شخصیت علمی مانند درختی است که میوه می دهد. همه ی مالکیان ، شافعیان و حنبلیان براین قولند که تولید فکری و همه ی منافع و هر گاه بهره وری از آنها مباح شرعی باشد، اموالی هستند که مالیت در ذات آنها متقوم است به عبارت دیگر منافع مورد تعاقد مال متقوم تلقی می شود.

۲۹- در فقه شافعی عرف اساس مالیت اشیاء است و شرط مالیت داشتن شیء منفعت دار بودن آن است، زیرا چیزی که منفعت ندارد قیمت نیز نداشته و در نتیجه مال نیست

در فقه حنبلی مال چیزی است که دارای منفعت مباح شرعی باشد آن هم در شرایط عادی پس مناط مالیت، منفعت است. در فقه مالکی نیز مال مفهومی عرفی دارد و هر چیزی که دارای منفعت و دارای قیمت باشد مال محسوب می گردد. و از نظر حنفیان دو عنصر در مالیت داشتن شیئی شرط است: ۱- امکان حیازی و احراز ۲- امکان انتفاع در شرایط عادی. فقهای متقدم حنفی عنصر عینیت را از مقومات مفهوم مال می دانستند، ولی فقهای متأخر معتقدند ما بر قیمت نیز اطلاق می گردد. بدین ترتیب و با توجه به مبانی فقهی مذاهب اربعه ی اهل سنت و فقهای آن ، مشروعیت و اعتبار شرعی حقوقی مالکیت های فکری از دیدگاه فقه عامه ثابت است و به مانند فقه امامیه، ایرادات و اشکالات خاصی ، بر آن وارد نیست.

منابع

۱. آذری، کیوان. "حقوق معنوی پدید آورنده اثر". نشریه دانشکده حقوق و علوم و سیاسی دانشگاه تهران، ۲۲ (۱۳۶۰).
۲. ابن اثیر، مجد الدین. النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۳، تحقیق احمد الزاوی و محمود محمد الطناحی، قم: المكتبة الاسلامیة، چاپ اول، ۱۳۶۴ق،
۳. ابن عابدین، مجموعه رسائل ابن عابدین، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۴. ابن قدامه، المغنی و یلیه الشرح الکبیر، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا
۵. ابن منظور، جمال الدین. لسان العرب، ج ۱۱، قم: نشر ادب حوزه، ۱۳۶۳ ه.ش.
۶. ابن هشام، السیره النبویه، مکتبه الکلیات، القاهره، ۱۳۹۱ق.
۷. اراکی، محمدعلی. استفتانات. قم: الهادی، ۱۳۷۳.
۸. اردبیلی، احمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان. قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۰۳ق. _ زبده البیان فی احکام القرآن. ج ۲، جامع فقه اهل البیت، بی تا
۹. اسماعیلی، محسن، نظریه ی خسارت، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۷
۱۰. اصفهانی، محمد تقی. هدایه المسترشدين. قم: جامعه المدرسین، ۱۴۲۳.
۱۱. اصفهانی، محمد حسین. بحوث فی الفقه. ج ۳، قم: مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۹، امامی، اسدالله. حقوق مالکیت معنوی، ج ۱، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶
۱۲. افتخارزاده. محمود رضا، روش شناخت سنت و تاریخ اسلام، تهران، مؤسسه ی رسا، ۱۳۶۳ش.
۱۳. امامی، نور الدین، حق مخترع، (بی م، بی تا، بی تا). و دیگران، دربارهی قرار داد پاریس، تهران، مؤسسه حقوق تهران، ۱۳۵۳ ش.
۱۴. امامی، حسن، حقوق مدنی، تهران، اسلامیة، ۱۳۷۸ ش،
۱۵. امامی، سید حسن. حقوق مدنی، ج ۱، تهران: اسلامیة، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۳.
۱۶. امامی، نور الدین. "حقوق مالکیت های فکری". فصلنامه رهنمون، شماره ۲.
۱۷. امامی، نور الدین، «حقوق مالکیت های فکری»، فصلنامه رهنمون، مدرسه عالی شهید مطهری، ش ۲ و ۳ ایروانی، محمدرضا، «حق ابتکار در فقه اسلامی مقارن»، نامه مفید، سال اول، ش ۴.
۱۸. الامینی، احمد بن الحسن، الغدیر فی الكتاب و السنه، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۳۹۵ ق
۱۹. انصاری، مرتضی. فرائد الاصول، ج ۱، قم: اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
۲۰. انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب. ج ۳، قم: مجمع الفکر الاسلامی، چاپ ششم، ۱۴۲۵ق.
۲۱. اولاد، ذبیح الله، «مفاهیم اساسی حقوق مؤلف و حقوق وابسته به آن»، فصلنامه دیدگاههای حقوقی، سال ۴، ش ۱۶ و ۱۵۰